

موضوعات نگاری در شیعه؛ توصیف و تحلیل

مهدی مهریزی^۱

سید محمدرضا حسینی^۲

چکیده

این مقاله می‌کوشد آماری از مکتوبات عالمان و نویسندگان شیعی در زمینه موضوعات ارائه کند و سپس آنها را توصیف و تحلیل نماید. براین پایه، در این مقاله پانزده اثر در موضوعات معرفی و توصیف شده است و در مقام تحلیل به دو پرسش، پاسخ داده شده است: یکی این که این آثار چگونه دسته‌بندی می‌شود و توسط چه جریان‌های فکری تألیف شده است. در مقام پاسخ، این کتاب‌ها به سه گروه تقسیم شده و بیشترین تألیف توسط کسانی صورت گرفته که در جامعه سنتی شیعه چندان مقبولیت فکری ندارند و پرسش دوم، این که چرا تعداد آثار تألیفی شیعه در زمینه موضوعات نگاری کمتر از اهل سنت است و نیز چرا از نظر زمانی دیرتر به این امر اقدام کرده‌اند. در مقام پاسخ، پنج عامل شامل: پالایش احادیث شیعه، قلت نزاع‌های درون مذهبی، عدم انضمام احادیث ضعیف به احادیث موضوع، خود سانسوری فرهنگی و کمی عده و عده شیعیان گوشزد شده است. کلیدواژه‌ها: موضوعات نگاری، شیعه، احادیث موضوع.

درآمد

یکم. پدیده جعل و وضع به حوزه فرهنگ اسلامی و احادیث آن اختصاص ندارد، بلکه جعل و وضع همان دروغ است که در عرصه روایات اسلامی با نام جعل و وضع شناخته می‌شود.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

۲. استادیار دانشگاه پیام نور، واحد قم.

برای شناخت پدیده وضع و جعل و اسباب و زمینه‌هایش و تاریخ آن در فرهنگ بشری باید دروغ و دروغگویی را شناخت.

چرا دروغ به زندگی بشر راه یافت؟ و از کی آغاز شد؟ چرا انسان‌ها به دروغ رو آوردند و چه عللی داشت؟ آیا به یک فرهنگ و جغرافیا و منطقه اختصاص دارد و یا امری شایع و رایج در فرهنگ بشری بوده است؟

دست‌یابی به پاسخ این پرسش‌ها، پاسخ بسیاری از پرسش‌ها در حوزه جعل و وضع حدیث را نیز به دنبال دارد.

پدیده جعل و وضع در احادیث اسلامی فی الجمله امری مسلم و مورد اتفاق است. لکن باید ابعاد مسأله به صورت دقیق تحریر گردد. برای این منظور می‌توان گفت دوره‌هایی که محتمل است جعل و وضع در آن صورت گرفته باشد، عبارت‌اند از:

۱. جعل و وضع در زمان حیات پیامبر - صلی الله علیه و آله - و امامان شیعه علیهم السلام؛

۲. انتقال احادیث موضوع به کتاب‌ها و مصادر اصلی حدیثی مانند کتب اربعه؛

۳. جعل و وضع و دس در کتاب‌های اصلی حدیثی؛

۴. جعل و وضع پس از کتاب‌های اصلی تا دوره معاصر.

برای روشن شدن دقیق محل نزاع می‌توان چنین پرسید: کدام یک از این چهار دوره مورد اتفاق یا انکار و یا تردید است؟

به نظر می‌رسد تمام محققان مسلمان به وجود جعل و وضع در مرحله اول اذعان دارند. نقل این سخن از پیامبر - صلی الله علیه و آله - که دروغگوها بر من بسیار شدند، گواه بر این امر است؛ چنان که سخنان منقول از امامان شیعه - علیهم السلام - در مخالفت با برخی افراد و طرد و مذمت آنها مانند ابو الخطاب بر این حقیقت گواهی می‌دهد.

محور دوم از موارد اختلاف جدی میان اخباریان و دیگران است. اخباریان بر این عقیده‌اند که کتاب‌ها و مصادر اصلی از جعل و وضع مبرا و منزّه‌اند و عامل آن را تلاش مؤلفان، نظارت ائمه - علیهم السلام - و لطف و امدادهای غیبی می‌دانند، ولی مخالفان اخباری‌ها چنین نظری نداشته و بر وجود احادیث نادرست و راه یافتن آنها به این کتاب‌ها تأکید دارند؛ گرچه بین آنها در مقدار و میزان آن اختلاف نظر جدی وجود دارد.

محور سوم نیز کم و بیش مورد گفت و گواست، ولی به یک مسأله جدی پژوهشی تبدیل نشده است؛ گرچه جای پرداختن جدی به آن وجود دارد.

محور چهارم، یعنی جعل و وضع پس از کتاب‌های اصلی و از حدود قرن چهارم به بعد نیز مانند محور دوم محل گفت و گواست. آن گاه که سخن از جعل حدیث توسط فرقه‌ها و جریان‌های اسلامی می‌شود، مانند احادیث عرفانی و صوفیانه ناظر به این مرحله است. بنا بر این، محل نزاع از میان چهار محور یادشده، دوره دوم و چهارم است؛ یعنی انتقال احادیث مجعول و نادرست در دوره حضور به کتاب‌های حدیثی اصلی و مشهور و نیز جعل و وضع پس از تدوین کتاب‌های اصلی و مصادر نخستین.

دوم. پس از روشن شدن مسأله و تحریر آن، نوبت به این امر می‌رسد که مقایسه حدیث شیعه و اهل سنت، از حدود قرن چهارم به این سو، تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد که یکی از آن تفاوت‌ها به میزان پرداختن عالمان دو مذهب به پدیده جعل و وضع برمی‌گردد.

اهل سنت موضوعات نگاری را از قرن پنجم آغاز کرده‌اند و کتاب‌های متعددی تا زمان حاضر در استخراج و شناساندن این احادیث تألیف شده است. عناوین این کتاب‌ها به بیش از یکصد می‌رسد؛ کتاب‌هایی مانند: *اطراف احادیث کتاب المجروحین لابن حبان* محمد طاهر مقدسی (۴۴۸-۵۰۷ ق)، *الاباطیل والمناکیر والمشاهیر* جورقانی (۴۷۰-۵۴۳ ق)، *الموضوعات* ابن جوزی (۵۱۲-۵۹۷ ق)، *موضوعات الصغانی* (۵۵۷-۶۵۰ ق)، *المنار المنیف* ابن قیم (۶۹۱-۷۵۱ ق)، *اللئالی المصنوعة* سیوطی (۸۴۵-۹۱۱ ق)، *المصنوع فی معرفة الحديث الموضوع* ملا علی قاری (م ۱۰۱۴ ق)، *سلسلة الاحادیث الضعيفة و الموضوعة* ناصر الدین آلبانی (۱۳۳۲-۱۴۲۰ ق). و البته این روال هنوز ادامه دارد.

اما در میان عالمان شیعه موضوعات نگاری مشهود نیست؛ با این که در لایه لای کتاب‌های کلامی، تفسیری و فقهی شیعه عالمانی چون: محمد بن حسن ولید^۳ (قرن ۴)، و شیخ صدوق^۴ (م ۳۸۱ ق)، شیخ مفید^۵ (م ۴۱۳ ق)، سید مرتضی^۶ (م ۴۳۶ ق)، شیخ طوسی^۷ (م ۴۶۰ ق)، علامه حلی^۸ (م ۷۲۶ ق)، شهید ثانی^۹ (م ۹۶۶ ق)، فیض کاشانی^{۱۰} (۱۰۰۶-

۳. الفهرست، طوسی، ص ۷۱، ش ۲۸۹ و ۲۹۰.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۹ - ۲۹۰، ح ۳۴؛ الاعتقادات فی دین الامامیه، ص ۲۲ و ص ۱۱۵ - ۱۱۶، رجال ابن داود، ص ۷۱، ۱۰۰ و ۲۴۶.

۵. تصحیح الاعتقاد، ص ۱۴۷ و ص ۱۴۹ - ۱۵۰.

۶. امالی المرتضی، ج ۲، ص ۲۴۹ - ۲۵۱.

۷. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۶۷، ح ۴۹ و ص ۱۶۹ - ۱۷۱، ح ۱۶۹.

۸. خلاصة الاقوال، ص ۴۰۴ - ۴۰۵، ش ۱۶۳۴.

۹. مسالك الافهام، ج ۷، ص ۳۹.

۱۰۹۱ق)، میرزای قمی^{۱۱} (۱۱۵۰-۱۲۳۱ق)، کاشف الغطاء^{۱۲} (۱۲۹۴-۱۳۷۰ق)، علامه طباطبایی^{۱۳} (۱۲۷۹-۱۳۶۰ش)، امام خمینی^{۱۴} (۱۲۷۹-۱۳۶۸ش) و آیه الله خویی^{۱۵} (۱۲۷۸-۱۳۷۱ش) بارها و بارها بر وجود چنین احادیثی تصریح کرده‌اند.

به سخن دیگر، با وجود تصریح به وجود احادیث مجعول و ساختگی و ضعیف و نادرست، تألیفاتی در میان عالمان شیعه تا دوره معاصر به چشم نمی‌خورد.

بلی دو کتاب در سال ۱۳۹۰ق، یعنی ۴۵ سال قبل در ایران و لبنان به چاپ می‌رسد: کتاب الاخبار الدخیلة از علامه شوشتری در تهران و کتاب الموضوعات فی الاخبار والآثار از هاشم معروف الحسنی در بیروت.

پرسش اصلی که این مقاله می‌خواهد بدان پاسخ دهد، همین است که این کمی و تأخیر در نگارش الموضوعات چه دلیلی دارد؟

سوم. کتاب‌هایی از سوی عالمان شیعه تألیف شده که مستقیماً به جدا کردن احادیث موضوع و ضعیف نمی‌پردازد، ولی به دلالت التزامی، به جدایی آن گونه از روایت‌ها دلالت می‌کند.

سابقه تألیف این دسته از کتاب‌ها به قرن یازدهم برمی‌گردد؛ از قبیل: منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح والحسان، حسن بن زین الدین عاملی (م ۱۰۱۱ق) و نیز کتاب: صحیح الکافی و صحیح من لایحضره الفقیه از آقای محمد باقر بهبودی و نیز کتاب‌های مشرعة بحار الانوار والجواهر المنتخبة فی الاحادیث المعتبرة از آیه الله آصف محسنی.

نویسندگان این کتاب‌ها دغدغه شناسایی و تفکیک احادیث درست از نادرست را داشته و لکن به جنبه ایجابی مسأله پرداخته‌اند.

در این مقاله به این دسته از کتاب‌ها نپرداخته‌ایم.

چهارم. در پانزده سال اخیر، با شکل‌گیری مراکز آموزشی حدیث و نیز نشر مجله‌های ویژه حدیث، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی در حوزه جعل و وضع نگارش یافته است که در این

۱۰. الوافی، ج ۲۲، ص ۷۳۴.

۱۱. جامع الشتات، ص ۸۱۸ - ۸۱۹ و ۸۲۳.

۱۲. الارض و التربة الحسنية، ص ۲۷.

۱۳. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۴۹ و ج ۶، ص ۲۸۹.

۱۴. انوار الهدایة فی التعليقة علی الکفایة، ج ۱، ص ۲۴۴ - ۲۴۵؛ کتاب البیع، ج ۵، ص ۳۵۲ - ۳۵۳.

۱۵. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۳۶ و ص ۹۳.

مقاله از معرفی آنها خودداری شده، به فرصت دیگری واگذار می‌گردد.

پنجم. با توجه نکات پیش گفته، این مقاله تلاش می‌کند آنچه را عالمان شیعه درباره الموضوعات به عنوان کتاب‌های مستقل تألیف کرده‌اند، معرفی کرده و سپس به تحلیل آن بپردازد. از این رو، مطالب این مقاله در دو بخش سامان یافته است:

۱. کتابشناسی توصیفی،
۲. تحلیل موضوعات نگاری در شیعه.

یک. کتابشناسی توصیفی

اگر با نگاهی موسع به کتاب‌های به چاپ رسیده در باب الموضوعات توسط عالمان شیعه نگرسته شود، فهرستی بدین صورت به دست می‌آید که به ترتیب نگارش و نشر چنین است:

۱. ابوهریره، عبدالحسین شرف‌الدین (۱۲۹۰-۱۳۳۷ق)،
۲. الغدیر، ج ۵، علامه عبدالحسین امینی (۱۲۸۱-۱۳۴۹ش)،
۳. الاخبار الدخیله، محمد تقی تستری (۱۲۸۲-۱۳۷۴ش)،
۴. ابوهریره، محمود ابوریة (۱۳۰۶-۱۳۰۹ق)، ترجمه محمد وحید گلپایگانی (۱۳۰۵-۱۳۸۳ش)،
۵. خمسون ومائة صحابی مختلق، علامه سید مرتضی عسکری (۱۲۹۳-۱۳۸۶ش)،
۶. الموضوعات في الأخبار والآثار، هاشم معروف الحسنى (۱۹۱۹م-۱۴۰۳ق)،
۷. زیارت و زیارت نامه، حیدر علی قلمداران (۱۲۹۰-۱۳۶۸ش)،
۸. عرض اخبار اصول، سید ابو الفضل برقی (۱۲۸۷-۱۳۷۰ش)،
۹. حدیث‌های خیالی در مجمع البیان، نعمت الله صالحی نجف‌آبادی (۱۳۰۲-۱۳۸۵ش)،
۱۰. الحدیث النبوی بین الروایة والدراية، آية الله جعفر سبحانی (۱۳۰۷ش-...)،
۱۱. نقد کتب حدیث، سید مصطفی حسینی طباطبایی (۱۳۱۴ش-...)،
۱۲. درسنامه وضع حدیث، ناصر رفیعی محمدی (۱۳۴۴-...)،
۱۳. معیارهای شناخت احادیث ساختگی، قاسم بستانی،
۱۴. تهذیب احادیث الشیعة، احمد القبانچی،
۱۵. وضع و نقد حدیث، عبد الهادی مسعودی (۱۳۴۳-...).

اینک به معرفی اجمالی این آثار پانزده گانه و سپس دسته بندی آن می پردازیم.

۱. ابوهریره

این کتاب را در سال ۱۳۶۵ق، در بیروت منتشر شد و ترجمه فارسی آن، با عنوان/ ابوهریره و/ احادیث ساختگی از سوی آقای نجفعلی میرزایی در سال ۱۳۷۲ش، در قم منتشر شد.

کتاب از یک پیش گفتار و هیجده فصل و یک خاتمه تشکیل شده است. فصول یک تا نه و نیز فصل هیجدهم به شرح زندگانی او اختصاص دارد و در سایر فصول ها حدیث او بررسی می شود.

فصل یازدهم - که مفصل ترین فصل کتاب است - چهل حدیث ابوهریره را مورد نقد و بررسی قرار داده و نادرستی آنها را به اثبات رسانده است.

۲. الغدير^{۱۶}

علامه امینی در جلد پنجم کتاب /الغدير در بحثی تفصیلی حدود دویست صفحه به معرفی دروغگویان و جاعلان حدیث می پردازد. ایشان در این فهرست از ۷۰۲ راوی بر اساس منابع اهل سنت یاد می کند که متهم به کذب و جعل شده اند. پس از آن به موضوعاتی که جعل در آن صورت گرفته، به ویژه مسأله خلافت اشاره می کند و نمونه هایی از این گونه احادیث را از کتب اهل سنت می آورد.

۳. الاخبار الدخيلة

علامه محمد تقی شوشتری این کتاب را با تنظیمات و تعلیقات استاد علی اکبر غفاری در سال ۱۳۹۰ق، در تهران به چاپ رسانید. کتاب از سه باب تشکیل شده است:

الباب الاول. فی الأحادیث المحرّفة،

الباب الثانی. فی الأخبار الموضوعة،

الباب الثالث. فی الأدعية المحرّفة والموضوعة.

باب اول حاوی دوازده فصل و باب دوم حاوی چهار فصل و باب سوم حاوی دو فصل است.

۱۶. این کتاب بارها به چاپ رسیده است که مشخصات یکی از چاپ های تحقیق شده آن چنین است: /الغدير فی الکتاب والسنة والادب، قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلامية، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۵م.

ایشان در سال‌های بعد سه جلد دیگر با همین ساختار با عنوان مستدرک الأخبار الدخیلة به این کتاب اضافه کرد و به چاپ رسانید.

این کتاب مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفت و نقد و تحلیل‌هایی بر آن نگارش یافت که فهرست آنها از این قرار است:

۱. «النقود اللطيفة»، آية الله صافی، مجله نور علم، ش ۲۲، ص ۱۳۵؛ و ش ۲۳، ص ۱۲۹؛ ش ۲۴، ص ۱۶۱،

۲. «معیارهای شناخت احادیث موضوعه در الأخبار الدخیلة»، شادی نفیسی، آینه پژوهش، ش ۵۹، ص ۲۶،

۳. «معیارهای نقد دعا در الأخبار الدخیلة»، شادی نفیسی، آینه پژوهش، ش ۵۳، ص ۴۴،

۴. «سیری در کتاب الأخبار الدخیلة»، عبدالمهدی جلالی، علوم حدیث، ش ۵، ص ۱۵۴؛ ش ۹، ص ۲۸۴،

۵. «روش علامه شوشتري در نقد سند»، شادی نفیسی، علوم حدیث، ش ۱۰، ص ۷۱،

۴. بازرگان حدیث شیخ المضیرة، أبوهریرة

این کتاب تألیف محمود ابوریة از روشنفکران اهل سنت است که توسط محمد وحید گلپایگانی و با عنوان بازرگان حدیث به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۴۳ ش، در تهران توسط کتابفروشی محمدی به چاپ رسیده است. کتاب دارای نظم و ساختار مشخص و فصل‌بندی نیست، بلکه مطالبی در باره زندگی ابوهریره، و نمونه‌های فراوانی از روایات نادرست وی را آورده و نادرستی آن را نشان می‌دهد.

۵. خمسون و مائة صحابی مختلق

علامه سید مرتضی عسکری این کتاب را در تکمیل و ادامه اثر دیگر خود، عبدالله بن سبا - که آن را در سال ۱۳۷۵ ق، به چاپ رسانید - نوشت. از این ۱۵۰ صحابی، بیست و سه تن را در تاریخ ۱۳۸۹ ق، به قلم آورده و در همان سال در بغداد منتشر شد. ترجمه فارسی آن در ایران توسط آقای عطاء محمد سردارنیا در سال ۱۳۵۵ ش به چاپ رسید.

تمام صحابیان دروغین - که در این کتاب معرفی شده‌اند - عبارت‌اند از: فعقاع بن عمرو تمیمی، عاصم بن عمرو تمیمی، اسود بن قطبه تمیمی، ابومفزر تمیمی، نافع بن اسود تمیمی، عفیف بن منذر تمیمی، زیاد بن حنظله تمیمی، حرمله بن مربوطه

تمیمی، حرمله بن سلمی تمیمی، بیع بن مطر بن ثلج تمیمی، ربعی بن افکل تمیمی، اُط بن ابی اُط، سعید بن خفاف تمیمی، عوف بن علا جشمی تمیمی، اوس بن جذیمه تمیمی، سهل بن منجاب تمیمی، وکیع بن مالک تمیمی، حصین بن نیار حنظلی تمیمی، زر بن عبدالله الفقیمی، اسود بن ربیع حنظلی، حارث بن ابی هاله تمیمی، زبیر بن ابی هاله تمیمی، طاهر بن ابوهاله تمیمی.

ظاهراً این کتاب از سوی نویسنده ادامه نیافت و ۱۲۷ صحابی دیگر معرفی نشدند.

۶. الموضوعات فی الأخبار والآثار

این کتاب نوشته سید هاشم معروف الحسینی، از علمای برجسته شیعی لبنان است که در سال ۱۳۹۰ق، برای اولین بار و سپس در ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م در بیروت منتشر شد. هم چنین در سال ۱۴۲۹ق / ۲۰۰۹م با تحقیق آقای اسامه الساعدی منتشر شد. ترجمه فارسی آن با عنوان / اخبار و آثار ساختگی توسط جناب آقای حسین صابری از سوی بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی در سال ۱۳۷۱ش، به چاپ رسید.

نویسنده کتاب را در چهار فصل ترتیب داده است:

فصل نخست به تفسیر سنت و سیر تحول آن می پردازد. فصل دوم به تعامل مؤلفان علوم اسلامی با حدیث اختصاص دارد. در فصل سوم تاریخچه دروغ سازی را بیان می کند و در فصل چهارم نمونه هایی از احادیث ساختگی را در کتب شیعه و اهل سنت در موضوع فضایل و مثالب معرفی می کند. وی ۲۹ حدیث در منقصت و ۱۱۳ حدیث در فضایل آورده است.^{۱۷}

نویسنده در مقدمه، پس از اشاره به پیدایش جعل در احادیث و تردید خود در انتشار کتابی در زمینه الموضوعات، هدف از تألیف را دو امر می داند:

الاول منها: لنقول لاوثک الذین حاولوا ولا یزال احفادهم یحاولون مسخ التشیع من خلال بعض المرویات فی کتب الحدیث لنقول لهم: ان کتب الحدیث الموجودة بین ایدی الشیعة فیها الصحیح والفساد، لانها من صنع الانسان الذی یخطئ و یتصیب و تستبد به الالهواء والاغراض فتکیفه کما تشاء.

والثانی لتنزیه الائمة الطاهرين مما الصق بهم زوراً و بهتاناً، و بیان الاخطار التي تکمن

۱۷. مقاله ای در معرفی ترجمه این اثر در آینه پژوهش، ش ۴۰، مهر-آبان ۱۳۷۵، ص ۴۷-۴۵.

فی التغاضی عن بعض الاحادیث و المتاجرة فیها علی حساب الدین.^{۱۸}

۷. زیارت و زیارتنامه

زمان تکثیر این کتاب - که تاریخ نشر ندارد و به صورت غیر رسمی تکثیر شده - پس از انقلاب اسلامی است. نویسندگان (حیدرعلی قلمداران) پس از مقدمه‌ای انتقادی در باب زیارت، بحثی را با عنوان «ضعف روایات زیارت کتب ائمه رجال» مطرح می‌کند و نام ۴۴ راوی ضعیف و ناشناخته را - که ناقل این احادیث هستند - با معرفی اجمالی برمی‌شمارد. سید ابوالفضل برقعی تکمله‌ای بر این قسمت دارد و این تعداد را به ۱۶۲ راوی می‌رساند.

به این کتاب، یک سخنرانی و یک مقاله از نویسنده نیز ضمیمه شده است. کتاب بخش دومی با عنوان خرافات و فور در زیارات قبور، از سید ابوالفضل برقعی دارد که تعداد زیادی از زیارت‌نامه‌ها را مورد نقد سندی و متنی قرار داده است. این کتاب در ۳۶۷ صفحه وزیری، صفحه‌آرایی شده است. سید ابوالفضل برقعی در پایان کتاب این تاریخ را ثبت کرده است: ۱۳۶۰/۹/۲

۸. عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول

این کتاب حجیم و پُر صفحه [۹۰۵ صفحه] نشر رسمی نیافته است، اما تلخیص آن تعریب شده و با عنوان کسر الصنم^{۱۹} در کشورهای عربی به چاپ رسیده است. عقیده نویسنده (سید ابوالفضل برقعی) آن است که بزرگ‌ترین مانع ترقی و سعادت، سودجویی و دکانداری از جانب دین است و این امر را در همه مذاهب ساری و جاری می‌داند. به باور نویسنده، او در این کتاب تنها بر پایه یک مذهب حرکت کرده است و هدف خود را شناساندن احادیث مغایر قرآن و قواعد عقلی می‌داند. وی در این اثر ۱۸۷ باب از جلد اول / اصول الکافی را با هدف یاد شده بررسی کرده و نقطه نظرات خود را باز گفته است.

گفتنی است که نویسنده، در دیگر کتاب‌هایش (از جمله: احکام اسلام / از متن قرآن) نیز فصولی را به نقد احادیث، زیارات و برخی ادعیه اختصاص داده است.

۱۸. الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۳۹ - ۳۸.

۱۹. کسر الصنم، مترجم: عبدالرحیم ملازاده البلوشی، اردن: دار البیارق، ۱۹۹۸ م / ۱۴۱۹ ق / ۱۳۷۷ ش. هم‌چنین در دوحه و عمان نیز به چاپ رسیده است.

۹. حدیث‌های خیالی در مجمع البیان

کتاب حدیث‌های خیالی توسط انتشارات کویر تهران در سال ۱۳۸۲ ش، منتشر شده است.

این کتاب حاوی پنج مقاله است. نام مقاله نخست، عنوان کتاب قرار گرفته که طولانی‌ترین بخش کتاب است.

عناوین چهارمقاله دیگر عبارت است از:

۱. تفسیر آیات: ۶۷ - ۶۹ سوره انفال و ۴ سوره محمد،

۲. ناسخ بودن آیه ۱۸۷ از سوره بقره: «أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةُ الصَّيَامِ»،

۳. دو نزول برای قرآن،

۴. بررسی روایت طلحة بن زبیر در ذیل آیه محاربه (سوره مائده، آیه ۳۳ - ۳۴).

ایشان در مقاله «حدیث‌های خیالی» بیست مورد از اشتباهات طبرسی صاحب مجمع البیان را بر می‌شمرد. به گمان نویسنده، صاحب مجمع البیان ابو جعفر طبری را با ابو جعفر امام باقر - علیه السلام - اشتباه گرفته است. وی در ادامه می‌نویسد:

در جایی که عالم بزرگی مانند طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان در بیست مورد نظر ابو جعفر طبری مفسر مشهور را اشتباهاً به عنوان حدیث امام محمد باقر - علیه السلام - تلقی کرده و آن را به نام روایت منقول از امام معصوم آورده است، آیا وضعیت سایر روایات چگونه است؟^{۲۰}

و در ادامه نمونه‌هایی از جعلیات در احادیث و نیز مجعول بودن تفسیر منسوب به امام حسن عسکری - علیه السلام - سخن می‌گوید.^{۲۱}

گفتنی است که نویسنده، پیش از این کتاب، در دیگر آثارش (از جمله: شهید جاوید و عصای موسی) به نقد و وضع‌شناسی در عرصه احادیث، توجه نشان داده و نمونه‌هایی را بررسی کرده است.

۱۰. الحدیث النبوی بین الروایة والدراية

این کتاب در سال ۱۴۱۹ قمری توسط مؤسسه الامام الصادق قم به چاپ رسیده است.

۲۰. حدیث‌های خیالی، ص ۸۱.

۲۱. یادآوری می‌شود بر این مقاله نقدی با این مشخصه‌ها به چاپ رسیده است: «احادیث خالی یا شواهد خیالی»، علی‌علی‌زاده، فصلنامه علوم حدیث، ش ۳۵ - ۳۶ بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۴۹ - ۱۲۵.

نویسنده کتاب (حضرت آیه الله جعفر سبحانی) در این نوشته به ارزیابی و نقد روایات چهل تن از صحابه بر پایه نقد متن، یعنی عرضه حدیث بر قرآن، سنت متواتر، عقل سلیم، مسلمات اسلامی و تاریخ صحیح پرداخته است. وی نادرستی نمونه‌هایی از روایات منسوب به این صحابی‌ان را نه از راه بررسی سند، بلکه از راه بررسی متن مورد توجه قرار می‌دهد. ایشان در مقدمه کتاب نوشته است:

ولا ندعی اننا استوفینا البحث فی اکثر الروایات الموضوعة، فضلاً عن جمیعها، وانما قدمنا للقاری الکریم انموذجاً من تلک الروایات التی عزیت الی اربعین صحابياً، عسی ان تكون فاتحة خیر لمساهمات لاحقة من قبل الباحثین فی هذا المضمون.^{۲۲}

صحابیان را از معاذ بن جبل (۲۰ قبل از هجرت - ۱۸ق) آغاز و به عامر بن واثله، (۲ - ۱۰۷ق) ختم می‌کند.

گفتنی است تمام روایات نمونه از مصادر و منابع اهل سنت انتخاب شده است.

۱۱. نقد کتب حدیث

این کتاب، چنان که نویسنده (سید مصطفی حسینی طباطبایی) در پایان مقدمه آورده، در ۱۴۲۱ق / ۱۳۷۹ش، نگاشته شده و ظاهراً، چاپ رسمی نشده است. کتاب به زبان فارسی و در ۱۶۴ صفحه وزیری صفحه‌آرایی شده است.

نویسنده در مقدمه اشاره می‌کند که اهل سنت کتب بسیاری در معرفی و شناسایی احادیث جعلی نگاشته‌اند، اما شیعه امامیه در قرن‌های گذشته به نگارش کتاب مستقلی در باب احادیث دروغین - که به ائمه اهل بیت - علیهم السلام - نسبت داده شده - نپرداخته‌اند. و تنها از کتاب *الأخبار الدخیله* علامه محمد تقی شوشتری یاد می‌کند. کتاب دارای چهارده فصل است که عناوین آنها عبارت‌اند از:

فصل ۱. اخباری که بر جعل حدیث گواهی می‌دهند،

فصل ۲. گواهی بزرگان امامیه در باره احادیث ساختگی،

فصل ۳. انگیزه‌های جعل حدیث،

فصل ۴. شیخ کلینی و کتاب الکافی،

فصل ۵. نقد احادیث شیخ کلینی،

فصل ۶. شیخ صدوق و کتاب هایش،

۲۲. *الحدیث النبوی بین الروایة والدراية*، ص ۷.

فصل ۷. نقد احادیث شیخ صدوق،

فصل ۸. محمد باقر مجلسی و آثار وی،

فصل ۹. نقد آثار مجلسی،

فصل ۱۰. حُرّ عاملی و آثار وی،

فصل ۱۱. نقد احادیث وسائل الشیعة،

فصل ۱۲. نقد احادیث تفسیری،

فصل ۱۳. نقد کتب دعا و زیارت،

فصل ۱۴. احادیث ساختگی و شناخت آنها.

نویسنده در هر قسمت نمونه‌هایی از روایت‌ها را آورده و بر مبنای خود شواهد و ادله‌ای بر نادرستی آنها ذکر می‌کند.

۱۲. درسنامه وضع حدیث

این کتاب در سال ۱۳۸۴ ش، از سوی مرکز جهانی علوم اسلامی به عنوان متن درسی برای دوره کارشناسی ارشد علوم حدیث نگارش یافته است. کتاب به زبان فارسی و در ۳۰۴ صفحه وزیری طراحی شده است. قالب کتاب درسی است و در چهارده درس سازمان دهی شده است. در پایان هر درس چکیده و پرسش و پژوهش ارائه شده است.

عناوین دروس عبارت‌اند از:

۱. کلیات،

۲. شواهد وقوع وضع و علل گسترش آن،

۳. انگیزه فرهنگی ۱،

۴. انگیزه فرهنگی ۲،

۵. انگیزه مالی و دنیوی،

۶. انگیزه خیرخواهانه،

۷. شیوه‌های وضع حدیث،

۸. ثمرات رویارویی با وضع حدیث،

۹. نشانه‌های حدیث موضوع ۱،

۱۰. نشانه‌های حدیث موضوع ۲،

۱۱. نشانه‌های حدیث موضوع ۳،

۱۲. نشانه‌های حدیث موضوع ۴،

۱۳. تعبیرشناسی احادیث موضوع و واضعان،

۱۴. تأثیر وضع بر فرهنگ اسلامی.

پایان بخش کتاب، «کتابشناسی الموضوعات» است و ۴۸ اثر در این زمینه به اختصار معرفی شده است. این کتاب به مباحث نظری وضع پرداخته و عمده مَثَل‌ها و نمونه‌هایش از منابع اهل سنت است.

۱۳. معیارهای شناخت احادیث ساختگی

این کتاب در سال ۱۳۸۶ ش، از سوی نشر رسش در اهواز به چاپ رسیده و پایان‌نامه دکتری نویسنده است که در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه تربیت مدرس تهران دفاع شده است. کتاب در هشت فصل بدین ترتیب تنظیم شده است:

۱. تعریف وضع و احکام آن،

۲. پیشینه وضع حدیث،

۳. موضع‌گیری بزرگان دین نسبت به وضع حدیث،

۴. زمینه‌ها، علل، شیوه‌ها، منابع وضع حدیث و مضامین احادیث موضوع،

۵. نقد حدیث و شیوه‌های کلی آن،

۶. ملاک‌ها و معیارهای وضع حدیث،

۷. استقراء ابواب،

۸. ارزیابی میراث حدیثی مسلمانان.

یادآوری می‌شود که نویسنده نمونه‌ها را از کتب شیعه و اهل سنت آورده است.

۱۴. تهذیب احادیث الشيعة

این کتاب در ۳۵۱ صفحه رقی از سوی منشورات الجمل بیروت - بغداد در سال ۲۰۰۹ م، منتشر شده است. نویسنده عنوان اثر را تألیف و ترجمه قرار داده است و در مقدمه می‌گوید چهار نوشته را ترجمه و یک نوشته را تلخیص کرده است. عناوین این پنج اثر چنین است:

۱. حدیث‌های خیالی (آیه الله الشیخ صالحی نجفی آبادی)،

۲. عرض اخبار اصول (تألیف السید ابو الفضل ابن الرضا)،^{۲۳}
 ۳. زیارت و زیارت نامه (تألیف حیدر علی قلمداران)،
 ۴. نقد کتب حدیث (للسید مصطفی الطباطبائی)،
 ۵. الموضوعات فی الاخبار والآثار (العلامة السید هاشم معروف الحسنی).
- کتاب در چهار فصل سازمان دهی شده که عناوین آن بدین شرح است:
- الفصل الأول: نقد کتب الحدیث
- الأخبار التي تدل على جعل الاحادیث
- الشيخ الكلینی و کتابه الکافی،
 - الشيخ الصدوق و کتبه،
 - العلامة المجلسی،
 - الحر العاملی و مصنفاته.
- الفصل الثانی: نقد احادیث التفسیر والزيارة
- نقد احادیث التفسیر،
 - نقد کتب الدعاء والزيارة.
- الفصل الثالث: دراسات في نقد الحدیث
- المقالة (۱): قراءة نقدية للأحادیث،
 - المقالة (۲): أحادیث موهومة في تفسیر «مجمع البیان»،
 - المقالة (۳): أحادیث موهومة في کتب أخرى،
- الفصل الرابع: الموضوعات في الأخبار والآثار.
- متأسفانه نویسنده دقیقاً آثار ترجمه شده و مقدار و محل آن را مشخص نکرده است. با بررسی و مطالعه ای که انجام گرفت، معلوم شد که فصل اول و دوم ترجمه کتاب نقد کتب حدیث، اثر سید مصطفی حسینی طباطبائی است که در شماره ۱۱ معرفی شد.
- فصل سوم، ترجمه سه مقاله است که مقاله دوم ترجمه احادیث خیالی در مجمع البیان نوشته مرحوم نعمت الله صالحی نجف آبادی است که در شماره ۹ معرفی شد و مقاله اول و سوم مشخص نشد از چه کتابی اخذ و ترجمه شده است.
- فصل چهارم نیز تلخیص کتاب الموضوعات فی الاخبار والآثار اثر هاشم معروف

۲۳. نام خانوادگی شناسنامه ای ایشان، سید ابو الفضل برقی است که پیش از این به آثارش اشاره شد.

الحسنی است.

یادآوری می‌شود که این اثر، پیش از این تاریخ در سلسله *ثقافة اسلامية معاصرة* (۳) با همین عنوان و بدون ناشر و تاریخ نشر و احتمالاً در ایران تکثیر شده بود.

۱۵. وضع و نقد حدیث

این کتاب در سال ۱۳۸۸ ش، از سوی سازمان مطالعه و تدوین سمت و دانشکده حدیث منتشر شده است.

کتاب به زبان فارسی و دارای ۳۱۸ صفحه وزیری و حاوی دو بخش: وضع حدیث و نقد حدیث است.

در بخش نقد حدیث این فصول به چشم می‌خورد:

۱. کلیات،

۲. تاریخچه وضع حدیث،

۳. انگیزه‌های وضع حدیث،

۴. شیوه‌ها و قالب‌های وضع.

و بخش دوم دارای این عناوین است:

۱. کلیات،

۲. پیشینه نقد حدیث،

۳. نقد بیرونی،

۴. نقد درونی،

۵. دستاوردها و آسیب‌های نقد حدیث.

قالب کتاب به صورت متن درسی تنظیم شده و در پایان هر فصل یا گفتار، چکیده و پرسش و پژوهش دارد.

روش کتاب پرداختن به مباحث تئوری و نظری در دو حوزه وضع حدیث و نقد حدیث است که با مثال‌ها و نمونه‌هایی توضیح داده شده است. غالب مثال‌ها و نمونه‌ها از مصادر و منابع اهل سنت آورده شده است.

دو. تحلیل موضوعات نگاری در شیعه

برای تحلیل موضوعات نگاری در شیعه حداقل دو مسأله باید مد نظر قرار گیرد: یکی گروه‌بندی این آثار از نظر روش و طرز فکر نویسندگان و دیگری اندک بودن آثار مربوط به

الموضوعات در شیعه در مقایسه با اهل سنت. اینک این دو مطلب را به بحث می‌گذاریم:

الف. گروه‌بندی آثار الموضوعات در شیعه

پانزده اثر معرفی شده را در سه گروه می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. نوشته‌های عالمان شیعه در باب الموضوعات در اهل سنت شماره‌های ۱، ۲، ۴، ۵ و ۱۰؛

۲. بحث‌های تئوری درباره الموضوعات شماره‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۵؛

۳. استخراج احادیث موضوع و ضعیف در شیعه، شماره‌های ۳، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱ و ۱۴.

از میان این سه گروه آنچه مستقیماً به گردآوری الموضوعات در شیعه مرتبط است، گروه سوم است. از میان این هفت اثر، پنج اثر (شماره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۱ و ۱۴) آن را افرادی نوشته‌اند که در جامعه سنتی شیعه از مقبولیت فکری نداشته و برخی آنان را «تجدید نظر طلب در عقاید شیعه» معرفی کرده‌اند.^{۲۴}

در حقیقت دو اثر می‌ماند که نویسندگان آن از پایگاه سنتی برخوردارند. یعنی کتاب *الأخبار الدخيلة والموضوعات في الأخبار والآثار*. نیمی از کتاب دوم نیز، چنان که در معرفی اش گذشت، به منابع اهل سنت اختصاص دارد.

ب. عوامل عدم اهتمام جدی شیعه به نگارش «الموضوعات»

حال این پرسش خودنمایی می‌کند که سبب کمی و نیز تأخیر در نگارش الموضوعات در شیعه چیست؟ این پرسش تاکنون مورد بررسی و کاوش محققان و پژوهشگران قرار نگرفته است و آنچه به عنوان پاسخ مطرح می‌شود، از لا به لای کلمات محققان شیعی

۲۴. در کتاب‌های جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، فصل هشتم، صفحه ۱۰۱۱ تا ۱۰۹۷ از چاپ سیزدهم با عنوان «جریان‌های تجدید نظر طلب در عقاید شیعه» به معرفی افکار و اندیشه‌های پانزده نفر پرداخته است که حیدر علی قلمداران، سید ابو الفضل برقی، مصطفی حسینی طباطبایی و نعمت الله صالحی نجف آبادی از آن جمله‌اند و تنها سید احمد قبانچی - که مربوط به دوره‌های اخیر است - در آن مجموعه نیامده است. نویسنده این افراد را با این اوصاف (ص ۱۰۱۳ - ۱۰۱۵) معرفی می‌کند:

- فاصله گرفته از مرجعیت رسمی دینی و روحانیت در بُعد فکری و دین شناسانه و عدم پذیرش رهبری آنان،
- تأثیرپذیری از نگرش وهابی،
- تأثیرپذیری از خردورزی غربی،
- قرآن‌گرایی و بی‌اعتنایی به حدیث،
- ایجاد مناسبات مخصوص میان خود و مریدها و نوعی فرقه سازی.

استخراج شده و یا حدس هایی است که قابل طرح و تأمل است. به نظر می رسد بتوان به این علل و عوامل اشاره کرد:

۱. کتابت حدیث در شیعه و مراقبت امامان و محدثان

حدیث شیعه به جهت عدم منع کتابت در قرون نخستین و نیز مراقبت امامان -علیهم السلام- در دوره های بعد و شاگردان آنها از آسیب ها و آفت ها مصون مانده است. به سخن دیگر، رواج کتابت در دوره حضور معصومان -علیهم السلام- و نیز مراقبت پیشوایان برای نقل حدیث، مسأله عرضه احادیث و کتب بر امامان و تلاش گسترده محدثان در دوره تدوین رسمی سبب شده آفت هایی که گریبان گیر حدیث اهل سنت شده، در حدیث شیعه یافت نمی شود؛ یعنی احادیث جعلی و ساختگی در دوره تدوین از منابع و کتب حدیثی پالایش شده است.

محقق بحرانی در مقدمه کتاب *الحدائق الناظرة* می گوید:

فان جل الاختلاف الواقع فی اخبارنا بل كله عند التأمل والتحقيق إنما نشأ من التقية و من هنا دخلت الشبهة على جمهور متأخري اصحابنا -رضوان الله عليهم- فظنوا ان هذا الاختلاف إنما نشأ من دس أخبار الكذب فی اخبارنا، فوضعوا هذا الاصطلاح ليميزوا به صحيحها عن سقيمها و غثها من سمينها، و قوى الشبهة فيما ذهبوا اليه شيئان: (أحدهما) رواية مخالف المذهب و ظاهر الفسق و المشهور بالكذب من فطحي و واقفي و زيدي و عامي و كذاب و غال و نحوهم. و (ثانيهما) ما ورد عنهم -عليهم السلام- من ان لكل رجل منا رجلاً يكذب عليه و امثاله مما يدل على دس بعض الأخبار الكاذبة فی احاديثهم -عليهم السلام-، و لم يتفطنوا نور الله ضرائحهم الى ان هذه الاحاديث التي بايدينا إنما وصلت الينا بعد أن سهرت العيون فی تصحيحها و ذابت الأبدان فی تنقيحها، و قطعوا فی تحصيلها من معادنها البلدان، و هجروا فی تنقيتها الأولاد و النسوان، كما لا يخفى على من تتبع السير و الأخبار، و طالع الكتب المدونة فی تلك الآثار، فان المستفاد منها -على وجه لا يزاخمه الريب و لا يداخله القدح و العيب- انه كان دأب قدماء اصحابنا المعاصرين لهم -عليهم السلام- الى وقت المحدثين الثلاثة فی مدة تزيد على ثلثمائة سنة ضبط الاحاديث و تدوينها فی مجالس الأئمة -عليهم السلام- و المسارعة الى اثبات ما يسمعون خوفًا من تطرق السهو و النسيان، و عرض ذلك عليهم، و قد صنفوا تلك الاصول الأربعمائة المنقولة كلها من اجوبتهم -عليهم السلام- و انهم ما كانوا يستحلون رواية ما لم يحزموا بصحته. و قد روى أنه عرض على الصادق عليه السلام كتاب عبيد الله بن علي الحلبي فاستحسنه و صححه، و على العسكري -عليه السلام- كتاب يونس بن عبد الرحمن و كتاب

الفضل بن شاذان فائنی علیهما. و كانوا - علیهم السلام - یوقفون شیعتهم علی أحوال أولئك الكذابين، ویأمرونهم بمجانبتهم، و عرض ما یرد من جهتهم علی الكتاب العزیز و السنة النبویة و ترک ما خالفهما ...^{۲۵}

... فهل یجوز فی العقول السلیمة و الطباع المستقیمة ان مثل هؤلاء الثقات العدول إذا سمعوا من أئمتهم مثل هذا الكلام ان یستحلوا بعد ذلك نقل ما لا یتقون بصحته و لا یعتمدون علی حقیقته. بل من المقطوع و المعلوم عادة من أمثالهم انهم لا یدکرون و لا یروون فی مصنفاتهم إلا ما اتضح لهم فی الحال، و انه فی الصدق و الاشتهار كالشمس فی رابعة النهار كما سمعت من حال یونس، و هذا کان دأبهم - علیهم السلام - فی الهدایة لشیعتهم. یوقفونهم علی جمیع ما وقع و ما عسی أن یقع فی الشریعة من تغییر و تبدیل، لانهم - صلوات الله علیهم - حفاظ الشریعة و حملتها و ضباطها و حرسها. و لهم نواب فیها من ثقات اصحابهم و خواص رواتهم، یوحون الیهم أسرار الاحکام، و یوقفونهم علی غوامض کل حلال و حرام، كما قد روى ذلك باسانید عديدة، علی ان المفهوم من جملة من تلك الأخبار ان تلك الاحادیث المکذوبة کلها كانت من أحادیث الکفر و الزندقة و الاخبار بالغرائب ...^{۲۶}

... علی ان مقتضى الحکمة الربانیة و شفقة الائمة - صلوات الله علیهم - علی من فی اصلاب الرجال من شیعتهم تمنع من ان یتروکهم هملاً یمشون علی غیر طریق واضح و لا منار لائح. فلا یمیزون لهم الغث من السمین. و لا یمهدونهم الی جادة الحق المبین. و لا یوقفونهم علی ما یقع فی الشریعة من تغییر و تبدیل. و ما یحدثه الکذابون المفترون من البدع و التضلیل، کلا ثم کلا، بل اوضحوا الدین المبین نهاية الايضاح. و صفوه من شوب کل کدر، حتی اسفر کضوء الصباح. الا ترى الی ما ورد عنهم من حثهم شیعتهم علی الكتابة لما یسمعون منه. و امرهم بحفظ الكتب لمن یأتی بعدهم. كما ورد فی جملة من الأخبار التي رواها ثقة الاسلام فی جامعة الکافي و غیره فی غیره. و الی تحذیرهم الشیعة عن مداخله کل من اظهر البدع و امرهم بمجانبتهم، و تعریفهم لهم باعبانهم، كما عرفت فیما تلونا من الاخبار؛^{۲۷}

عمده دلیل اختلاف و تعارض در روایات شیعه، بلکه تنها دلیل آن مسأله تقیه است. [پنهان ماندن این نکته] بر بسیاری از عالمان متأخر شیعه سبب شده که گمان بریند این اختلاف و تعارض به خاطر وقوع کذب و جعل در روایات است. از این رو، اصطلاحاتی ساختند برای تشخیص روایات درست از نادرست و آنچه این شبهه را نزد آنان تقویت کرده دو امر است: یکی وجود

۲۵. الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۹ - ۸.

۲۶. همان، ص ۱۱ - ۱۰.

۲۷. الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۱۲ - ۱۱.

راویان عامی و فاسق و یا عقاید گوناگون در سلسله اسناد احادیث شیعه و دیگری استناد به روایت‌های منقول از ائمه که افرادی بر ما دروغ بستند. ولی این عالمان توجه نکرده‌اند که این روایات با زحمت‌های طاقت‌فرسا، شب‌نخوابی، رنجوری، سفرهای بسیار و دوری از خانمان به دست ما رسیده است. و کسی که بر تاریخ حدیث شیعه واقف گردد بدین نکات دست می‌یابد. چرا که اگر کسی درست به تاریخ حدیث شیعه بنگرد و سیصد و اندی سال تا دوران کلینی و صدوق را ملاحظه کند، در می‌یابد که شیوه و رسم عالمان شیعه ضبط و نوشتن احادیث در جلسات ائمه بوده است و سپس آنها را بر امامان عرضه می‌داشتند و پس از این تدوین و عرضه، اصول چهارصدگانه را تألیف کردند. آنان روایتی را که بدان جزم نداشت، نقلش را حلال و جایز نمی‌دانستند.

در گزارش‌های تاریخی آمده است که عبید الله بن علی حلبی کتابش را بر امام صادق - علیه السلام - عرضه داشت و حضرت صادق - علیه السلام - آن را تحسین و تصحیح فرمود و نیز کتاب یونس بن عبد الرحمن و فضل بن شاذان بر امام عسکری - علیه السلام - عرضه شد. و ایشان آن دو کتاب را ستودند. از سوی دیگر، امامان شیعه شاگردان و اصحاب خود را با راویان دروغ‌گو آشنا ساخته و به آنها دستور می‌دادند روایت این گروه از افراد را به کتاب و سنت عرضه دارند و آنچه را مخالف بود رها سازند ...

آیا عقل سالم و سرشت پاک می‌پذیرد که این عالمان و راویان ثقه با این همه تأکید از سوی پیشوایان خود به نقل روایت‌های غیرموثق بپردازند؟ بلکه آنان آنچه را که مانند روز روشن بود نقل کرده و در آثار خود ثبت می‌کردند. امامان، شیعیان را از رخداد های زمان حال و زمان‌های آینده آگاه می‌ساختند و علاوه شاگردان خاص و ویژه و صاحبان سر داشتند که نکات لازم را به آنها گوشزد می‌فرمودند. علاوه آن که احادیث دروغ در محدوده احادیث کفرآمیز و عجیب و غریب بود ...

... از سوی دیگر، حکمت ربانی و شفقت و مهربانی و لطف ائمه به شیعیان، مانع از آن می‌شود که پیروان ائمه به راه کج روند و نتوانند درست و غلط را تشخیص دهند. و نیز از دس و جعل بدخواهان مطلع و آگاه نشوند. هرگز! هرگز! بلکه ائمه راه روشن را به شیعیان نشان داده و آنان را به کتابت واداشتند و از بدعت‌ها پرهیز داده و بدعت‌گذاران را به آنان شناساندند.

۲. قَلّت نزاع‌های درون مذهبی در شیعه

بررسی نگارش‌های الموضوعات در اهل سنت نشان می‌دهد که یکی از عوامل کثرت نگارش الموضوعات، نزاع‌های مذهبی در میان آنان است؛ یعنی درگیری و نزاع‌های مذاهب فقهی و کلامی سبب شده که در نقد و تضعیف آثار یکدیگر بکوشند. این امر را در مقاله‌ای که در همین مجله در تحلیل الموضوعات اهل سنت به چاپ رسید، نشان داده‌ام.^{۲۸} آثار نگارش شده در زمینه الموضوعات از سوی شافعی‌ها بیست اثر، حنفی‌ها دوازده اثر و سلفی‌ها و حنبلی‌ها نوزده اثر بوده است.

از آن رو که چنین نزاع‌هایی در شیعه بسیار اندک بوده و اساسی و ریشه‌دار نبوده است، بروز و ظهوری در زمینه موضوعات نگاری نداشته است.

۳. انضمام احادیث ضعیف به الموضوعات

یکی از عوامل حجیم شدن الموضوعات در اهل سنت ضمیمه ساختن احادیث ضعیف به احادیث موضوع است.

اگر به دو موسوعه بزرگ در میان اهل سنت - که در دوره معاصر تدوین شده - بنگریم، نام آنها گویای این امر است:

کتاب ناصرالدین البانی در نه مجلد با عنوان *موسوعة الاحادیث الضعيفة والموضوعة* منتشر شده است و کتاب پانزده جلدی دیگر با عنوان *موسوعة الاحادیث والآثار الضعيفة والموضوعة* به چاپ رسیده است.

آنچه به عنوان الموضوعات در شیعه نگارش شده، فقط اختصاص به وضع و جعل داشته است و گر نه اگر بنا باشد احادیث ضعیف گردآوری شود، آماری گسترده به دست خواهد آمد. علامه مجلسی در *مرآت العقول* - که شرحی بر *الکافی* کلینی است - در ذیل هر حدیث وضعیت سند هر روایت را بر اساس مشی مشهور عالمان رجالی تبیین کرده است و حدود نه هزار حدیث را تضعیف کرده است. به عبارت دیگر، نسبت میان ضعیف و موضع عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر حدیث موضوعی ضعیف است، ولی هر ضعیفی موضوع نیست؛ زیرا ضعیف آن است که درستی اش را احراز نکرده‌ایم و ممکن است در واقع درست باشد، ولی موضوع آن است که کذب و دروغ بودنش را احراز کرده‌ایم. به همین جهت، عالمان درایه نقل حدیث موضوع را حرام می‌دانند، ولی نقل حدیث ضعیف حرام

۲۸. علوم حدیث، ش ۴۹ - ۵۰، ص ۳۹۵ - ۳۹۶.

نیست.

۴. خودسانسوری فرهنگی

به نظر می‌رسد یکی از علل و اسباب این پدیده، ذهنیت فرهنگی عالمان شیعه باشد؛ بدین معنا که آنان با توجه به اقلیت بودن شیعه نسبت به اهل سنت و برخورداری جامعه سنی از حمایت‌های سیاسی و اجتماعی نظام‌های سیاسی در ادوار مختلف تاریخ، تصمیم گرفته‌اند که به بیان ضعف‌ها نپرداخته و بهانه‌ای به دست رقیب ندهند. به تعبیر دیگر، رقیب قدرتمند در کمین خرده‌گیری و نقد آنان است. تا آنجا که ابن تیمیه کتاب هشت جلدی *منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة و التقدریة* را می‌نویسد.^{۲۹} از این رو، دیگر عقلایی نیست که توان خود را برای بر ملا ساختن پاره‌ای عیب‌ها و نقطه ضعف به رقیب دادن مصروف کنیم.

۵. کمی تعداد و امکانات شیعه

شاید بتوان کمی جمعیت شیعه در مقایسه با اهل سنت و نیز کمی امکانات و برخورداری‌ها را یکی از دیگر عوامل به حساب آورد. همین مطلب را از منظر دیگر می‌توان چنین تبیین کرد. تمرکز شیعه بیشتر در ایران، عراق و لبنان بوده است که از میان این‌ها پایگاه اصلی ایران است. اما اهل سنت از شمال آفریقا گرفته تا غرب اسلامی و منطقه شامات و کشورهای آسیای میانه و... پراکندگی جغرافیایی و اقلیمی دارند. این تنوع اقلیمی و فرهنگی به همراه کثرت جمعیت و امکانات سیاسی اجتماعی می‌تواند یکی از علل و عوامل کثرت موضوعات نگاری در میان آنان باشد؛ به عنوان نمونه در مصر یازده اثر، در دمشق ۲۲ اثر، در یمن یک اثر، در هند دواثر و در تونس سه اثر در زمینه الموضوعات نگارش شده است. گفتنی است این نوشته را باید گام اول در تحلیل موضوعات نگاری در شیعه تلقی کرد و برای یافتن شواهد بیشتر و یا عوامل دیگر باید در انتظار پژوهش‌های دیگر بود.

۲۹. برای آگاهی از ردیه‌های اهل سنت بر شیعه در ادوار مختلف رک: «موقف الشيعة من هجمات الخصوم»، السيد عزيز الطباطبائي، مجلة *تراثنا*، ش ۶، ص ۳۲ - ۶۱.

کتابنامه

- الارض والتربة الحسينيه، محمد حسين آل كاشف الغطاء، قم: المجمع العالمي اهل بيت عليهم السلام، ۱۹۹۵م.
- الاعتقادات في دين الإمامية، ابو جعفر محمد بن علي بن حسين بن بابويه، معروف به شيخ صدوق (م ۳۸۱ق)، تحقيق: عصام عبد سيد، بيروت: دار المفيد، دوم ۱۴۱۴ق.
- الامالى في التفسير والحديث والادب، علي بن حسين علم الهدى (م ۴۳۶ق).
- أنوار الهداية في التعليقة على الكفاية، روح الله موسوى خمينى (م ۱۳۶۸ش)، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، ۱۳۷۲ش.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسى (م ۱۱۱۱ق)، بيروت: دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۳ق.
- تصحيح الاعتقاد (جلد ۵ مصنفات الشيخ المفيد). أبو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان عكبرى (الشيخ المفيد) (م ۴۱۳ق)، تحقيق: عصام عبد السيد حسين درگاهى، قم: المؤتمر العالمى لألفية الشيخ المفيد، اول، ۱۴۱۳ق.
- التهذيب (تهذيب الأحكام في شرح المقنعة)، أبو جعفر محمد بن حسن طوسى (م ۴۶۰ق)، بيروت: دارالتعارف، اول، ۱۴۰۱ق.
- جامع الشتات، ميرزا ابوالقاسم قمى، تهران: محمد مهدى خوانسارى، ۱۳۲۴ق (چاپ سنگى).
- جريان ها و سازمان هاى مذهبي - سياسى ايران، رسول جعفریان. تهران: مركز اسناد انقلاب اسلامى، ۱۳۸۳ش.
- الحداثى الناصره، يوسف بحراني، قم: انتشارات جامعه مدرسين قم، ۱۴۰۹ق.
- الحديث النبوى بين الرواية والدراية، جعفر سبحانى، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، ۱۴۳۰ق.
- حديث هاى خيالى در تفسير مجمع البيان، فضل بن حسن طبرسى، به كوشش: نعمت الله صالحى نجف آبادى، تهران: نشر كوير، ۱۳۸۲ش.
- خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، علامه حسن بن يوسف حلى، تحقيق: جواد قيومى، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- رجال ابن داود، حسن بن على بن داود حلى (م ۷۴۰ق)، تحقيق: سيد محمد صادق آل بحر العلوم، نجف اشرف: منشورات مطبعة الحيدرية، ۱۳۹۲ق.
- الغدير في الكتاب والسنة والادب، عبد الحسين بن احمد امينى (م ۱۳۹۰ق)، قم: مركز

- الغدير للدراسات الاسلامية، ١٤١٦ق / ١٩٩٥م.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسي، تحقيق: جواد القيومي، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، ١٤١٧ق.
- كتاب البيع، امام خميني، تهران: موسسه تنظيم ونشر آثار امام خميني، ١٤١٨ق.
- كسر الصنم، ابوالفضل برقعي، ترجمه: عبدالرحيم ملازاده بلوشي، اردن: دار البيارق، ١٩٩٨م / ١٤١٩ق / ١٣٧٧ش.
- مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، زين الدين بن علي شهيد ثاني، قم: موسسه المعارف الاسلاميه، ٢٣ - ١٤١٣ق.
- معجم رجال الحديث، سيد ابو القاسم موسوي خويي (م ١٤١١ق). پنجم، ١٤١٣ق.
- كتاب من لا يحضره الفقيه، أبو جعفر محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي، شيخ صدوق (م ٣٨١ق)، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٣٩٠ق.
- الموضوعات في الآثار والاعخبار، هاشم معروف حسني (م ١٩٨٤م)، ١٤٢٩ق.
- الوافي، محمد محسن بن شاه مرتضى (فيض كاشاني) (م ١٠٩١ق.)، تحقيق: ضياء الدين حسين اصفهاني، اصفهان: مكتبة الامام امير المومنين عليه السلام، ١٤٠٦ق.
- «موقف الشيعة من هجمات الخصوم»، سيد عزيز طباطبائي، مجله تراثنا، ش ٦، ص ٣٢ - ٦١.